راهکارهای استفاده از اعتبار در حساب جاری در بانکداری اسلامی

سیّد عبّاس موسویان
استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ـ قم

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۰/۰۴
تاریخ تایید: ۸۵/۱۲/۱۳

چکیده

واحدهای اقتصادی دوگونه نیاز مالی خود را از طریق بانک‌ها تأمین می‌کنند. نخست نیازهای مالی متعارف و قابل برنامه‌ریزی که به طور معمول از تسهیلات عادی بانک‌ها استفاده می‌کنند، دوم نیازهای مالی غیرمتعارف یا مقطعی که قابل برنامه‌ریزی نیست مانند کسری پرداخت به کارکنان، پیمانکار یا خریدهای فوری مواد اولیه و ماشین‌آلات. این نوع نیازها از طریق تسهیلات عادی قابل تأمین نیستند. در بانکداری متعارف برای پاسخ به چنین نیازهایی از روش تسهیلات اعتبار در حساب جاری استفاده می‌شود، بانک با تعیین سقف اعتباری برای مشتریان خاص، اجازه می‌دهد در موارد نیاز از آن اعتبار استفاده کرده بعد از رفع مشکل در اولین فرصت ـ حداکثر سه ماه ـ اصل و بهره اعتبار را به بانک بپردازند مطالعات تجربی نشان می‌دهد که این شیوه از پرداخت تسهیلات، مشکلات زیادی از بنگاه‌های اقتصادی مرتفع کرده و از شکل‌گیری بحران‌های مالی آنها جلوگیری می‌کند.

بعد از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، به جهت ربوی بودن، اعتبار در حساب جاری از نظام بانکی حذف شد. لکن روشن است که این به معنای رفع مشکل واحدهای اقتصادی نبوده و نیاز به اعتبار در حساب جاری همچنان به قوت خود باقی بوده است. کارشناسان بانکداری اسلامی برای حلّ این مشکل و پر کردن این خلأ با استفاده از عقود شرعی چون قرض بدون بهره، مضاربه عام و جاری، مشارکت، خرید و فروش وکالتی و خرید و فروش دین، راهکارهایی ارائه کرده‌اند، این مقاله در صدد است با معیارهای فقهی و اقتصادی، آن راهکارها را ارزیابی کند.

واژگان کلیدی: اعتبار در حساب جاری، قرض با بهره، قرض بدون بهره، مضاربه عام، مضاربه جاری، سرمایه شناور، مشارکت مدنی، خرید و فروش وکالتی و خرید و فروش دین (تنزیل)
طبقه بندی موضوعی: G21, G24

مقدّمه

نیازهای مالی واحدهای اقتصادی که توسط بانک‌ها تأمین می‌شوند دو گونه هستند:

۱ـ نیازهای متعارف

نیازهای متعارف آن دسته از نیازها هستند که واحد اقتصادی از قبل پیش‌بینی و برای تأمین آنها برنامه‌ریزی می‌کند، مانند منابع لازم برای پرداخت حقوق و دستمزد، خرید مواد اولیه و ماشین‌آلات جهت جایگزین ماشین‌آلات مستهلک شده یا توسعه خط تولید، برای تأمین این‌گونه نیازها به طور معمول از تسهیلات عادی بانکی استفاده می‌شود که در غالب بانک‌ها نرخ سود و بهرهٔ پایین‌تری دارند.

۲ـ نیازهای غیرمتعارف

نیازهای غیرمتعارف یا مقطعی به طور عموم قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی نیستند، مانند کسری پیش آمده برای پرداخت حقوق و دستمزد، کسری پرداخت برای خرید مواد اولیه و لوازم یدکی، پرداخت‌های موردی به پیمانکاران، واحدهای اقتصادی برای تأمین مالی چنین نیازهایی از تسهیلات اعتبار در حساب جاری استفاده می‌کنند، به این بیان که بانک متناسب با توان مالی و عملکرد مشتری سقفی را به صورت حدّ اعتبار در حساب جاری تعیین و به مشتری اعلام می‌کند. مشتری در مواقع نیاز به وسیله چک از آن اعتبار برداشته، نیاز مالی خود را تأمین می‌کند، سپس در زمان مشخّص که به طور معمول کوتاه مدّت و حداکثر سه ماهه است، مبلغ برداشت شده را همراه با بهره آن به بانک بر می‌گرداند (توتونچیان، ۱۳۷۵: ۲۹۴).

پس از اجرای قانون عملیّات بانکی بدون ربا به جهت ربوی بودن، این ابزار مالی مهم به طور رسمی از فعّالیّت‌های بانکی کشورمان حذف شد؛ در حالی که نیاز به آن همچنان باقی مانده است (شیرانی، ۱۳۸۰: ۱۷۰)، به طوری که در موارد زیادی به خاطر نبود نقدینگی لازم، خیلی از بنگاه‌های معتبر با مشکل برگشت چک مواجه شده و در مواردی بحران مالی پیدا کرده‌اند.

بنابراین ضرورت دارد محقّقان و صاحب‌نظران اقتصاد و پول و بانکداری با تحقیق پی گیر، راهکارهای مناسبی برای استفاده از اعتبار در حساب جاری در بانکداری بدون ربا بیابند در این مقاله راهکارهای پیشنهادی از سوی کارشناسان بانکی برای استفاده از روش اعتبار در حساب جاری در بانک‌های اسلامی از منظر فقه و اقتصاد بررسی می‌شود سپس روش منتخب بانک مرکزی که اخیراً جهت اجرا به بانک‌ها ابلاغ گردیده است تبیین می‌گردد. قبل از ورود به بحث اصلی مناسب است نگاهی مختصر به ماهیت فقهی آن در بانکداری متعارف داشته باشیم.

ماهیّت فقهی اعتبار در حساب جاری در بانکداری متعارف

در بانکداری متعارف بانک‌ها به مشتریان معتبر اجازه می‌دهند تا مبلغ معیّنی بیش از موجودی خود، از منابع بانک استفاده کنند و به آن، حدّ اعتبار در حساب جاری می‌گویند. وقتی بانک برای مشتری خاصّی اعتبار در حساب جاری در نظر می‌گیرد، از جهت فقهی به او وعدهٔ اعطای قرض می‌دهد و زمانی که مشتری به صورت مستقیم یا با حوالهٔ دیگری از آن اعتبار استفاده می‌کند، قرض تحقّق می‌یابد و مشتری متعهّد می‌شود در مدّت زمان معیّنی (حدّاکثر سه ماه) اصل قرض و بهره آن را به بانک برگرداند.

راهکارهای پیشنهادی برای اعتبار در حساب جاری

به جهت اهمیّت و ضرورت مسئله، طرح‌های گوناگونی برای استفاده از اعتبار در حساب جاری از سوی کارشناسان پول و بانکداری ارائه شده است. این طرح‌ها گرچه در تبیین موضوع و ارائه راه حل، گام‌های مهمّی برداشته‌اند، گاه به جهت مشکل فقهی و اقتصادی و گاه به جهت عدم ارائه مدل اجرایی قابل نقد و بررسی هستند. از آنجا که نویسنده، طی مقاله‌ای برخی از این راهکارها را بررسی کرده است در اینجا به ارائه گزارشی از آنها بسنده می‌کند و بیشتر به راهکارهای جدید می‌پردازد(موسویان، ۱۳۸۲: ۶۵).

۱ـ راهکار قرض بدون بهره

نزدیکترین روش برای اعطای تسهیلات به روش اعتبار در حساب جاری در بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری متعارف، استفاده از قرارداد قرض بدون بهره است. بانک برای مشتریان خوش حساب، اعتباری را در نظر گرفته به مشتری اعلام می‌کند، هر زمان که نیاز به اضافه برداشت پیدا کرد از اعتبار استفاده کند و طبق ضوابط بانک مبلغ استفاده شده را به بانک برگرداند. در این راهکار بانک تنها می‌تواند در مقابل ارائه چنین خدمتی کارمزد عملیات بانکی دریافت کند و به هیچ وجه نمی‌تواند در قبال منابع استفاده شده، سود دریافت کند.

این راهکار از جهت بانکی و فقهی هیچ اشکالی ندارد و چه بسا مورد ترغیب هم هست (حبیبیان، ۱۳۸۳: ۱۱)، امّا از جهت معیارهای اقتصادی اشکال اساسی دارد و آن اینکه همانند تسهیلات عادی قرض بدون بهره (قرض‌الحسنه) بدون سود می‌باشد و هر چه منابع بانک از این طریق مصرف شود درآمدی جز دریافت هزینه عملیات (کارمزد) برای بانک نخواهد داشت. بنابراین بانک در حدّ محدود و تنها برای نیازهای ضروری و خیرخواهانه اشخاص حقیقی و حقوقی از این راهکار استفاده می‌کند و امکان اعطای تسهیلات قابل توجه برای فعالان اقتصادی و بنگاه‌های تولیدی و تجاری نخواهد بود.

۲ـ راهکار مضاربه عام یا جاری

این راهکار ابتدا توسط مدیرعامل پیشین بانک ملی در چهارمین همایش بانکداری اسلامی (امیر اصلانی، ۱۳۷۲: ۱۵۷) تحت عنوان مضاربه عام، سپس توسط مدیرعامل پیشین بانک سپه در دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی (شیرانی، ۱۳۸۰: ۱۶۹) تحت عنوان مضاربه جاری با اصلاح و تکمیل ارائه گردید و از همان سال به صورت محدود در بانک سپه به اجرا درآمد.

به اعتقاد این افراد در بین عقود اسلامی بهره‌گیری از عقد مضاربه مناسب‌ترین و برجسته‌ترین گزینه برای انواع فعالیت‌های تجاری می‌باشد و در شرعی بودن مضاربه هیچ شکی نیست.

مضاربه از سه رکن تشکیل شده است: ۱ـ سرمایه که باید نقدی باشد و مالک در اختیار عامل قرار دهد. ۲ـ کار که عامل برای اداره سرمایه و فعالیت تجاری انجام می‌دهد. ۳ـ سود که حاصل کار تجاری عامل با بهره‌گیری از سرمایه است و سهم هر یک از دو طرف باید درصدی از سود باشد.

به موجب نظر مراجع تقلید مضاربه به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف ـ مضاربه خاص یا مقید که در آن نوع کالا، مدت مضاربه و محل مضاربه مشخص می‌شود و عامل فقط باید در آن چهارچوب فعالیت داشته باشد. این نوع مضاربه هم اکنون در سیستم بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرد و تسهیلات این نوع مضاربه به‌صورت پروژه‌ای اجرا می‌شود.

ب ـ مضاربه عام یا مطلق یا آزاد که از قیود عنوان شده در مضاربه خاص آزاد بوده و صاحب سرمایه مبلغ مشخصی را در اختیار عامل قرار می‌دهد و به او اجازه مطلق می‌دهد تا در هر فعالیت اقتصادی بکار برده سود آن را طبق قرارداد تقسیم نماید.

مبنای اعتبار در حساب جاری براساس مضاربه عام، استفاده از نوع عام یا مطلق مضاربه در اعطای تسهیلات است. یعنی بانک سرمایه نقدی را که مقدار و میزان آن به صورت یک خط اعتباری مشخص است، در اختیار مشتری قرار می‌دهد. مشتری هم نوع فعالیت را مشخص کرده و سود مورد انتظار را پیش‌بینی می‌کند و سهم هر یک طبق قرارداد از سود پیش‌بینی شده، مشخص می‌شود.

انطباق قانونی راهکار مضاربه عام

به موجب ماده نهم از فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امر بازرگانی در چهارچوب سیاست‌های بازرگانی دولت، منابع لازم را براساس قرارداد مضاربه در اختیار مشتریان با اولویت دادن به تعاونی‌های قانونی قرار دهند. بنابراین انعقاد عقد مضاربه عام هیچ‌گونه مغایرتی با مفاد قانون بانکداری بدون ربا و آیین‌نامه و دستورالعمل مربوطه ندارد.

همچنین در قانون مدنی مواد ۵۴۶ تا ۵۶۰ از فصل ششم قانون مدنی به تشریح عقد مضاربه اختصاص یافته و مضاربه را منع ننموده است. در ماده ۳ قانون اصلاح موادی از قانون چک مصوب ۷۲/۸/۱۱ آمده است، «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور، معادل مبلغ چک در بانک محال علیه نقد یا اعتبار قابل استفاده داشته باشد».

پس قوانین جاری نه تنها مغایرتی با اعطای «اعتبار در حساب جـاری» ندارنـد، بلکـه مـضاربه عام و اعتبار در حساب جاری دارای مبنای حقوقی و قانونی روشن است.

مکانیزم اجرایی راهکار مضاربه عام

در این روش بانک با بررسی اعتبار دارندگان حساب جاری، اقدام به گزینش مشتریان معتبر و خوش‌حساب می‌کند و سقف خاصی را به عنوان سرمایه مـضاربه عـام در نظـر مـی‌گیـرد سـپس طـی قراردادی به عامل اجازه می‌دهد تا در سقف سرمایه تعیین شده طی یک سـال کلـی یـا بـه تـدریج از سقف اعتباری مشخص شده در حساب جاری اسـتفاده کنـد و بـه تجـارت بپـردازد. سـود حاصـل از معاملات با توجه به سقف اعتباری و سرمایه مضاربه و مدت آن و دفعاتی که در طی یک سال مورد استفاده قرار می‌گیرد توسط عامل پیش‌بینی شده و درصد سهم بانک از سود تحقق یافتـه مـشخص و در قرارداد مضاربه قید می‌شود.

در این روش صدور هر چک و ارائه به بانک توسط عامل در حکم درخواست اسـتفاده از تمـام یا بخشی از سرمایه مضاربه تخصیص یافته می‌باشـد و بانـک بلافاصـله مبلـغ مـذکور را از سرفـصل حساب «تسهیلات اعطایی مضاربه» پرداخت و از سقف اعتباری مشتری کسر می‌کند.

محدودیت‌های راهکار مضاربه عام

۱ـ مطابق فقه شیعه عقد مضاربه اختصاص به بازرگانی و تجارت دارد و در فعالیت‌هـای دیگـر صحیح نیست در نتیجه اعتبار در حساب جاری براساس عقد مضاربه مخـصوص تجـار و بازرگانـان خواهد بود و سایر بخش‌های اقتصادی چون صنعت، کشاورزی، خدمات و معدن نمی‌تواننـد از ایـن راهکار استفاده کنند.

۲ـ طرح فاقد راهکاری برای نظارت و کنترل است، اینکه تاجر با استفاده از منـابع بانـک چنـد نوبت خرید و فروش کرده است؟ در هر نوبت چقدر سـود بـرده اسـت؟ هزینـه تجـارت چقـدر بـوده است؟ آیا به موقع وجوه حاصل از فروش را به حساب جاری خاص واریز کرده است؟ معلوم نیست و به طور معمول بانک‌ها توان نظارت و کنترل بر این قراردادها را ندارند. البته اگر بانـک تخصـصی در زمینه بازرگانی تأسیس شود و با استفاده از کارشناسان خبرهٔ بـازار بـر چنـین تـسهیلاتی نظـارت شود امید موفقیت هست امّا بانک‌های تجاری و تخصصی کنونی از عهدهٔ چنین نظارتی برنمی‌آیند و نتیجه این می‌شود که اعتبار در حساب جاری به روش مضاربه عام همانند تسهیلات عـادی مـضاربه در بانک‌ها که امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد، تبدیل به اعطای مبلغی و دریافت آن با سود معـین می‌شود که خلاف مقتضای قرارداد مضاربه است.

۳ـ راهکار سرمایه شناور (مشارکت‌گردان)

یکی از طرح‌هایی که موضوع را از زوایای گوناگون بررسی و راهکار نسبتاً جامعی ارائه می‌دهد، راهکار سرمایه شناور است (مهدوی و بهمنی، ۱۳۸۰: ۱۴۱). اساس راهکار سرمایه شناور بر خرید و فروش بخشی از دارایی‌های بنگاه اقتصادی بین بنگاه و بانک مبتنی بوده و سبب مشارکت آن دو در سرمایه بنگاه می‌شود، به این صورت که میزان سرمایه واحد اقتصادی با توافق دو طرف، و میزان سهم سرمایه بانک در آن (مشارکت گردان) به صورت شناور تعیین می‌شود و براساس آن سقف اعتباری بانک برای واحد اقتصادی مشخّص می‌شود. پس از آن، هر وقت واحد اقتصادی به پول نقد نیاز داشت، بانک به میزان لازم، از سرمایه «مشارکت گردان» را می‌خرد؛ در نتیجه سهم بانک در «مشارکت گردان» افزایش می‌یابد و هر وقت واحد اقتصادی با مازاد نابع مواجه شد، بخشی از سهم الشرکه بانک در «مشارکت گردان» را بازخرید می‌کند و سهم بانک کاهش می‌یابد

نکته اساسی طرح پیشنهادی، تعیین قیمت خرید و فروش سهم الشرکه بانک از «مشارکت گردان» و شکل‌گیری سود بانکی از عملیّات مذکور است. طرح بیان می‌کند که برای برآورد قیمت، مبانی گوناگونی وجود دارد که می‌توان قیمت بازار، قیمت توافقی، قیمت ارزیابی، قیمت جایگزین و سرانجام قیمت تمام شده به اضافه سود (Cost plus) را نام برد. ساده‌ترین روش برآورد قیمت و به تبع آن، برآورد سود بانک بر مبنای قیمت تمام شده به اضافه سود (Cost plus) می‌باشد. در این روش، فرض می‌شود که سود مورد مشارکت به طور تقریبی متناسب با گذشت زمان تحقّق می‌یابد. بر مبنای این فرض، بر آورد قیمت فروش و سود، از طریق فرمول زیر خواهد بود.

که در آن «P» قیمت کل فروش، «U» قیمت واحد سرمایه، «Q» تعداد واحد سرمایه «Mark–up» نرخ سودی است که بین بانک و واحد اقتصادی توافق می‌شود.

محدودیت‌های راهکار سرمایه شناور

این راهکار از جهاتی اشکالات و محدودیت‌هایی دارد.

الف ـ این طرح تنها آن گروه از واحدهای اقتصادی را که دارای حساب سرمایه منظم بوده و در هر مقطع زمانی سرمایه معلوم و مشخّصی دارند شامل می‌شود و قابل اجرا در واحدهای تولیدی و تجاری کوچک که حساب سرمایه دقیق ندارند، نیست.

ب ـ خرید و فروش سهم‌الشرکه به معنایی که گذشت ممکن است در معاملات موردی بین مردم عادی بتواند صحیح انجام شود امّا زمانی که وارد مؤسسهٔ پولی مثل بانک می‌گردد گویا بانک به اسم خرید و فروش، مبلغی را به واحد اقتصادی پرداخته؛ سپس آن مبلغ را همراه با مبلغی اضافه پس می‌گیرد و خرید و فروش، حقیقت خود را از دست داده ابزار و صورتی برای قرض ربوی می‌شود و اگر در هر مقطعی بخواهند ارزش واقعی (بازاری) سهم‌الشرکه را بدست آورند تا خرید و فروش واقعی شود، امکان عملی ندارد.

۴ـ راهکار مشارکت مدنی

در این راهکار بانک برای آن گروه از مشتریان حساب جاری که دارای واحد اقتصادی موفّق بوده و انضباط مالی قابل قبولی دارند حدّی را به صورت اعتبار در حساب جاری تعیین می‌کند و با مشتری قرار می‌گذارد هر وقت او برای استفاده از اعتبار، چکی را به بانک حواله کرد، بانک با پرداخت چک به میزان پرداخت شده مالک بخشی از دارایی واحد اقتصادی شده، به تناسب آن مبلغ در مقایسه با کلّ سرمایه، در واحد اقتصادی و سود آن شریک می‌شود، و هر زمان که مشتری، اعتبار دریافتی را به بانک برگرداند، بانک حاضر است مشارکت را به پایان رساند. روشن است که در این روش، سهم سود بانک از سود سالانه واحد اقتصادی به مبلغ و مدّت زمان استفاده از اعتبار بستگی خواهد داشت. در نتیجه استفاده از اعتبار در حساب جاری به این روش، ماهیت عقد شرکت دارد و سود بانک نیز حاصل فعالیّت اقتصادی شرکت خواهد بود (موسویان، ۱۳۸۲: ۶۵). این راهکار گرچه از جهت نوع قرارداد مثل راهکار سوم است امّا این تفاوت اساسی را با آن دارد که راهکار سوم متمرکز به قیمت خرید و فروش سهم‌الشرکهٔ بانک می‌باشد، در حالی که راهکار چهارم بر سود مشارکت توجه دارد.

ضمانت اجرایی راهکار

در بانکداری سنّتی، در عملیّات اعتبار در حساب جاری، استفاده کننده تسهیلات می‌کوشد برای فرار از هزینه بهره بیشتر در نخستین فرصت ممکن با بانک تسویه حساب کند. افزون بر اینکه هر نوع کوتاهی در بازپرداخت اعتبار، وجهه مشتری را مخدوش، و در مراحل بعد، گرفتن اعتبار را با مشکل مواجه می‌کند و این دو دست به دست هم داده، ضمانت اجرایی خوبی برای بازپرداخت به موقع اعتبار در حساب جاری را فراهم می‌آورد. در این راهکار نیز مطلب همین طور است، هر چه مدّت زمان مشارکت بانک طولانی شود، سهم سود بانک افزایش می‌یابد؛ در نتیجه سهم سود بنگاه کاهش می‌یابد و همانند بانکداری سنّتی، مشتری احساس می‌کند اگر نتواند در کوتاه مدت تسویه حساب کند، وجهه اعتباری بنگاه نزد بانک مخدوش، و در نوبت‌های دیگر، استفاده از اعتبار در حساب جاری با مشکل مواجه می‌شود.

محدودیت‌های راهکار مشارکت مدنی

مشکلات و محدودیت‌های راهکار سرمایه شناور تا حدود زیادی در این راهکار نیز وجود دارد، اوّلاً، این راهکار نیز تنها به آن دسته از بنگاه‌های اقتصادی اختصاص پیدا می‌کند که دارای حساب سرمایه و سود و زیان منظم و مشخص هستند. ثانیاً، گرچه در مقام نظریه، این راهکار مشروع و مطابق عقد شرکت است که از نظر فقهی مجاز می‌باشد، امّا در مقام عمل و محاسبه سود، از ماهیت شرکت فاصله گرفته به ماهیت قرض با بهره نزدیک می‌شود.

۵ـ راهکار خرید و فروش وکالتی[۱]

این راهکار براساس قرارداد وکالت عام برای خرید و فروش کالاها و خدمات طراحی شده است، مطابق این راهکار بانک با بررسی عملکرد حساب جاری مشتریان معتبر و گرفتن وثیقه‌های لازم، سقف خاصی را برای آنان به عنوان اعتبار در حساب جاری در نظر می‌گیرد. اعلام سقف اعتبار از طرف بانک به معنای اعطای وکالت عام به مشتری جهت خرید کالا برای بانک، اجازه تصرف در کالای خریداری شده و وکالت در فروش کالا از طرف بانک است. وقتی مشتری کالایی را از کارخانه یا فروشگاهی می‌خرد در واقع به وکالت از طرف بانک و از محل اعتبار (که منابع بانک است) قیمت کالا را می‌پردازد. در نتیجه کالا مال بانک می‌شود. سپس با احتساب سود بانکی و افزودن آن به قیمت خرید، کالای مذکور را به صورت نسیه سه‌ماهه به خودش می‌فروشد آنگاه کالا را تحویل می‌گیرد.

برای مثال بانک به یک شخص یا مؤسسه اقتصادی اعلام می‌کند صد واحد برای او اعتبار در نظر گرفته است و سود استفاده از اعتبار برای مدت سه ماهه ۶ درصد (ماهی ۲ درصد) است. وقتی که مؤسسه با استفاده از اعتبار مذکور کالایی را می‌خرد از آنجا که خرید به وکالت و با استفاده از منابع بانک بوده، به ملکیت بانک درمی‌آید سپس مشتری کالا را با احتساب ۶ درصد سود بانکی به قیمتی بالاتر به وکالت از بانک به خودش می‌فروشد و مبلغ جدید (قیمت اولیه + سود بانکی) را به بانک بدهکار می‌شود و موظف است تا سررسید (حداکثر سه ماه) به بانک پرداخت کند و چنانچه قبل از سررسید بپردازد بانک به تناسب مدت باقی‌مانده از مبلغ بدهی (از سود بانکی) کسر می‌کند. بنابراین مشتری می‌تواند در اولین فرصت کل یا بخشی از بدهی را بپردازد تا هم از تخفیف سود بانکی برخوردار شود و هم اعتبار استفاده شده احیاء گردد. چنانچه مشتری تنها بخشی از قیمت کالا را از محل اعتبار خریداری کند، تنها آن بخش

---

۱ – این راهکار اخیراً توسط مؤلف به کمیته مشورتی بانکداری و مالیه اسلامی پیشنهاد شده است.

از کالا، مال بانک خواهد بود و مشتری، تنها آن قسمت را بـا احتـساب سـود بـانکی از طـرف بانک به خودش خواهد فروخت.

توضیحات تکمیلی راهکار خرید و فروش وکالتی

۱ـ فقهای شیعه در مسئله خرید و فروش منافع (خدمت) دو دیدگاه دارند، برخی چون حضرت امام خمینی (ره) بیع را شامل اعیان (کالاها) و منافع (خـدمت) مـی‌داننـد و برخـی دیگر چون آیت‌الله خویی بیع را شامل منافع نمی‌دانند. بر این اساس بـرای اینکـه در خریـد خدمات مشکلی برای مشتریان بانک پیش نیاید می‌توان از عقد صلح که به اتفاق همه فقهـا شامل منافع (خدمات) می‌شود استفاده کرد. یعنی بعد از اعلام سقف اعتبار از طرف بانـک مشتری با استفاده از اعتبار (منابع بانک) به وکالت از طرف بانک به عقد صلح خدماتی چون خدمات هتل، هواپیمایی، بیمارستان و... را بر عهده می‌گیرد سپس با احتـساب سـود بـانکی (برای مثال ۶ درصد برای سه ماه) و اضافه کردن آن به مبلغ خدمات، به وکالت از طرف بانک، به عقد صلح، خدمات مذکور را به ملکیت خود درمی‌آورد.

۲ـ عملیات خرید و فروش کالا از طریق عقد بیع و خرید و فروش خدمات از طریق عقد صلح نیازمند زمان و تشریفات اداری و ثبتی نیست، چرا کـه مـشتری وکیـل در خریـد و فـروش اسـت و همین اندازه که متوجه باشد حین خرید، خرید وکالتی انجام می‌دهد و از طرف بانـک بـه خـودش بـه وکالت انتقال می‌دهد کفایت می‌کند.

۳ـ بانک می‌تواند متناسب با عملکرد مشتری و با اتخاذ تدابیر لازم به مشتری اجـازهٔ برداشـت نقدی تا سقف معینی برای مثال سی درصد حدّ اعتبار را نیز بدهد به این بیان که اعلام سـقف اعتبـار به معنای وعده اعطای قرض و استفاده از اعتبار به معنای گرفتن قرض و برگرداندن اعتبار به معنـای بازپرداخت قرض می‌باشد. از آنجا که این قرض بدون بهره است سودی به ازای مبلغ قرض به بانـک تعلق نمی‌گیرد اما بانک می‌تواند در قبال عملیات مذکور، کارمزد واقعی دریافـت کنـد. مـدت زمـان استفاده از این اعتبار بسیار کوتاه‌مدت و حداکثر یک هفته خواهد بود و اگر از آن مدت گذشت بانک می‌تواند اعتبار مشتری را باطل یا طبق قانون، جریمه تأخیر بگیرد.

شیوهٔ عملیاتی راهکار خرید و فروش وکالتی

در این راهکار بانک با مطالعه عملکرد و گرفتن وثیقه‌های لازم سقف خاصی از اعتبار در نظـر می‌گیرد. اعلام سقف اعتبار به مشتری به معنای ایـن اسـت کـه: ــ مـشتری هـر کـالایی را خواسـت می‌تواند از محل اعتبار به وکالت از طرف بانک به عقد بیع بخرد و با رعایت مقررات بانک (اضـافه کردن سود بانکی) به وکالت از طرف بانک به خودش بفروشد.

ـ مشتری هر خدمتی را خواست می‌تواند از محل اعتبار به وکالت از طرف بانک به عقد صلح تملک کرده و با رعایت مقررات بانک به وکالت از طرف بانک به عقد صلح به خودش تملیک کند.

ـ مشتری می‌تواند با رعایت سقف تعیین شده از اعتبار و مقررات بانک از بانک استقراض بدون بهره کند.

در این صورت وقتی مشتری چکی می‌نویسد و می‌خواهد از حساب جاری برداشت کند چند حالت رخ می‌دهد. حالت اول: در حساب خود موجودی دارد، در این حالت برداشت از موجودی خود است و بانک طلبی از مشتری نخواهد داشت.

حالت دوم: در حساب خود موجودی ندارد و چک را برای پرداخت قیمت کالا یا خدمات می‌دهد، در این حالت برداشت از حساب به معنای استفاده از اعتبار برای خرید کالا یا خدمت وکالتی است و بانک بعد از پرداخت چک متناسب با مبلغ، سود بانکی را بر آن افزوده حساب مشتری را بدهکار می‌کند. البته بانک می‌تواند اصل مبلغ را بدهکار کند و سودها را در پایان سال محاسبه، تخفیف‌ها را کسر کرده و حساب مشتری را بدهکار کند.

حالت سوم: در حساب جاری موجودی ندارد و چک را برای برداشت نقدی می‌نویسد، در این حالت برداشت از حساب جاری به معنای استقراض بدون بهره از بانک خواهد بود. بانک بعد از پرداخت چک، مبلغ کارمزد را بر آن افزوده حساب مشتری را بدهکار می‌کند و اگر مشتری تا هفت روز آن را پرداخت نکرد به ازای تأخیر علاوه بر اصل بدهی، جریمهٔ تأخیر نیز می‌پردازد.

توجه: بانک برای شناسایی چک‌های نوع دوم وسوم می‌تواند از روش‌هایی استفاده کند. برای مثال با مشتری قرار بگذارد که اصل در چک برای خرید کالا و خدمت است مگر اینکه در چک تصریح شود.

اشکالات و محدودیت‌ها

۱ـ در این راهکار چون ماهیت پرداخت نقدی، قرارداد قرض بدون بهره است. منابع بانک بدون سود در اختیار مشتری قرار می‌گیرد در نتیجه مشتری سعی می‌کند همیشه حداکثر استفاده از این اعتبار را داشته باشد و این در بلندمدت توجیه بانکی ندارد.

۲ـ تفکیک چک‌هایی که برای خرید کالا و خدمت کشیده می‌شود از چک‌هایی که برای استقراض است، مشکل می‌باشد و موجب خلط بین خرید و فروش وکالتی با استقراض می‌شود.

۶ـ راهکار خرید و فروش دین (تنزیل)

این راهکار براساس قرارداد خرید و فروش دین یا تنزیل طراحی شده است (سیف، ۱۳۸۳: ۹). گاهی مشتری توان پرداخت قیمت کالا را به صورت نقد ندارد و کالا را نسیه می‌خرد و در مقابل، سفته‌ای مدّت‌دار به فروشنده می‌دهد. حال اگر فروشنده بخواهد به هر دلیلی زودتر از سررسید، به وجه نقد دست یابد می‌تواند با مراجعه به بانک و کم کردن مقداری از وجه سفته، آن را بفروشد و پول نقد دریافت کند و بانک در سررسید به بدهکار مراجعه کرده مبلغ اسمی سفته را وصول می‌کند. مبلغ کم شده که به آن نزول می‌گویند، درآمد بانک از این معامله است که متناسب با نرخ سود بازار و مدّت زمان باقی مانده تا سررسید سفته تعیین می‌شود.

مشهور فقیهان شیعه، عملیّات تنزیل سفته نزد شخص ثالث (مثل بانک) را در صورتی که سفته حقیقی باشد (در مقابل معامله واقعی باشد)، از مصادیق بیع دین (فروش دین) دانسته و مجاز می‌شمرند (مراجع تقلید، ۱۳۸۳: ج ۲، احکام سفته)؛ ولی برخی از بزرگان چون حضرت امام خمینی (امام خمینی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۱۷۵) و آیت‌الله خامنه‌ای (خامنه‌ای، ۱۳۸۱: ۸۵) فروش سفته و برات را به شخص ثالث به کمتر از مبلغ اسمی جایز نمی‌دانند. حال اگر بخواهیم بر اساس فتوای مشهور فقیهان در مسئله تنزیل عمل کنیم می‌توان راهکاری برای اعتبار در حساب جاری بر اساس عقد تنزیل مطرح کرد.

مبنای حقوقی راهکار خرید و فروش دین (تنزیل)

روش خرید دین، به صورت مستقل در قانون عملیات بانکی بدون ربا نیامده است و تنها در بند ۵ مادهٔ دو قانون، تحت عنوان وظایف نظام بانکی از این روش تحت عنوان «انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار طبق قانون و مقررات» نام برده شده است. البته در بند ۳ ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۳ نیز به آن پرداخته شده است. امروزه عملیات مربوط به خرید دین بر مبنای آئین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) انجام می‌گیرد، این آئین‌نامه و مقررات اجرایی آن در جلسهٔ مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده و متعاقباً در شورای نگهبان مطرح و به اکثریت آراء مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشده است، اصلاحیه بعدی آئین‌نامه مذکور در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۲۴ به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است. مطابق مواد آئین‌نامه، بانک‌ها بایستی بر حقیقی بودن بدهی و معتبر بودن بدهکار اطمینان پیدا کنند.

مطابق آئین‌نامه، تنها اسنادی قابل تنزیل است که سررسید آنها کمتر از یک سال باشد، چنین اوراقی به قیمتی کمتر از مبلغ اسمی تنزیل می‌شوند که این تفاوت قیمت نباید بیش از نرخ مصوب شورای پول و اعتبار باشد. (هدایتی و بهمنی، ۱۳۸۱: ۳۸۸ـ۳۸۷).

شیوه عملیّاتی راهکار خرید و فروش دین (تنزیل)

در این شیوه، بانک با شناسایی مشتریان موفقّ به آنـان اعـلام مـی‌کنـد کـه بـرای آن دسـته از مشتریان موفّق که دارای اسناد مالی حقیقی (ناشی از معامله واقعـی) مـدّت‌دار هـستند، متناسـب بـا عملکرد حساب جاری آنها، اعتبار تنزیلی باز می‌کند. وقتی مشتری تقاضای اعتبار مـی‌کنـد، بانـک حدّ اعتبار او را تعیین و درخواست اسناد مالی مدّت‌دار می‌کند. مشتری به مبلغ اعتبار، سفته و برات در اختیار بانک می‌گذارد تا بانک به تناسب مبلغ چک و با توجّه به نرخ سود عملیات بانکی و مـدّت سفته‌ها و برات‌ها، بخشی از سفته و برات‌ها را تنزیل کند، و چک مورد نظر را بپردازد. اگر سررسید سفته طولانی باشد و مشتری با مازاد منابع مواجه شود، می‌توانـد بـه بانـک مراجعـه، و خریـد سـفته تنزیل شده را درخواست کند. در این صورت، بانک به همان روشی که سفته مدّت‌دار را خریده بـود، به مشتری می‌فروشد و این روش تا سررسید سفته می‌تواند چندین بار تکرار و بین بانـک و مـشتری خرید و فروش شود و روشن است که هرچه زمان به سررسید سفته نزدیک شود، ارزش فعلـی سـفته به ارزش اسمی نزدیک می‌شود، و سود به صفر گرایش می‌یابد.

برای مثال اگر بانکی برای یک واحد اقتصادی در حدّ ده میلیون ریال اعتبار در حساب جـاری تنزیلی باز کند، آن واحد می‌تواند با تحویل سفته‌ای به ارزش حـدّ اعتبـار، در خواسـت اعتبـار کنـد. بانک با توجّه به مدّت زمان سفته و نرخ سود بانکی اعلام می‌دارد که برای تنزیل آن، حدّاکثر تـا چـه میزان می‌تواند چک بنویسد. اگر نرخ سود بانکی ۱۲ درصد و سررسید سفته، سه ماهه باشـد، بانـک اعلام می‌کند که آن واحد اقتصادی می‌تواند تا سقف نه میلیون و هفت صد هزار ریال چک بنویسد. وقتی واحد اقتصادی چک را نوشت، بانک سفته مذکور را تنزیل کرده، چک را می‌پردازد. حال اگـر بانک و مشتری تا سررسید صبر کنند، بانک پس از سه ماه، مبلغ اسمی سـفته (ده میلیـون ریـال) را وصول کرده، سیصد هزار ریال سود می‌برد؛ امّا اگر مشتری (برای مثال) پس از یـک مـاه حاضـر بـه برگرداندن اعتبار مذکور به بانک باشد، خرید سفته از بانک را درخواست می‌کند. ارزش فعلی سـفته تنزیلی و سود جدید از رابطه مذکور محاسبه می‌شود.

مبلغی که مشتری برای باز خرید سفته می‌دهد

$$A_1 = 1000000\left(1 - \frac{12 \times 60}{360}\right) = 980000$$

$$\pi = P - A_1 = 1000000 - 980000 = 20000$$

سود منتقل شده به مشتری

سود خالص بانک بعد از انتقال بخشی از سود به مشتری

$$\pi_B = \pi - \pi_1 = 300000 - 200000 = 100000$$

همین طور اگر پس از یک ماه مشتری بخواهد سفته مذکور را دوباره پیش بانک تنزیل کند، از طریق رابطه پیشین سفته را به نه میلیون و نه صدهزار ریال فروخته، از بانک پول نقد می‌گیرد و دوباره بانک به مبلغ صد هزار ریال از محل تنزیل جدید سود می‌برد.

دستورالعمل اجرایی اعتبار در حساب جاری تنزیلی

اخیراً بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با انتشار دستورالعمل اجرایی اعتبار در حساب جاری در قالب خرید دین بر حسب ضوابطی به بانک‌ها اجازهٔ اعطای تسهیلات به روش اعتبار در حساب جاری داده است، مفاد این دستورالعمل بدین قرار است.[۱]

۱ـ بانک‌ها حسب تقاضا برای مشتریان خود، با توجه به توان مالی و اعتبارسنجی انجام شده در مورد آنان، حد اعتباری مشخصی را بر اساس ضوابط و مقررات ذیربط تعیین می‌نمایند.

۲ـ تسهیلات اعطایی در چارچوب حد اعتباری فوق، در قالب عقد خرید دین و پس از احراز حقیقی بودن دین توسط بانک انجام می‌شود و به دفعات قابل استفاده است. این تسهیلات قابل اعطاء به واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی می‌باشد.

۳ـ تسهیلات مذکور برای تأمین نیازهای مالی کوتاه مدت (حداکثر یک‌ساله) متقاضیان می‌باشد که با خرید دین ناشی از اسناد و اوراق تجاری مورد قبول و تودیعی نزد بانک، و واریز وجوه مربوط به حساب جاری مشتریان اعطاء می‌گردد.

۴ـ قبل از اخذ و نگهداری اسناد و اوراق تجاری موضوع این دستورالعمل، لازم است بانک قراردادی را با مشتری منعقد نماید که بر مبنای آن وکالت در خرید دین ناشی از اسناد مزبور به نحو اشاعه و وکالت در وصول آنها به بانک داده شده باشد.

۵ـ حداکثر تا حد اعتباری موضوع بند ۱، بانک بر اساس قرارداد منعقده دین ناشی از اسناد و اوراق تجاری اخذ شده را بر مبنای قیمت روز خریداری نموده و به طور همزمان مبلغ خرید را به حساب جاری مشتری واریز می‌کند تا امکان تأمین کسری مبلغ چک، فراهم شود از آن پس بانک مالک مشاعی اوراق مزبور به نسبت مبلغ پرداخت شده و قیمت کل در تاریخ خرید می‌گردد.

۱ـ این دستورالعمل در یکهزار و شصت و هشتمین جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۱۳۸۵/۶/۴ به تصویب رسیده و در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۱۵ از طرف اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی طی نامه رسمی به بانک‌های عامل ابلاغ شده است.

۶ـ در تاریخ سررسید اسناد و اوراق تجاری، وجوه حاصله به نسبت سهم مشاعی طرفین، بین آنان تقسیم می‌گردد. در ضمن در هر تاریخی مقدم بر تاریخ سررسید اسناد و اوراق تجاری، چنانچه مشتری نسبت به پرداخت هر میزان از سهم مشاعی بانک از اسناد و اوراق تجاری اقدام نماید، قیمت روز اسناد بر اساس نرخ‌های جاری و مورد عمل بانک محاسبه شده و از مالکیت مشاعی بانک به همان میزان کاسته و مشتری مجدداً مالک آن قسمت می‌گردد.

۷ـ چنانچه اوراق خریداری شده تا تاریخ سررسید در مالکیت بانک بماند، بانک به نسبت سهم مشاعی خود از اوراق، سود حاصله را شناسایی و در دفاتر ثبت می‌کند. فروش دین ناشی از اوراق به مشتری قبل از سررسید بر اساس قیمت روز فروش انجام می‌شود و سود و زیان حاصله با توجه به قیمت خرید و فروش و همچنین درصد مالکیت بانک تعین و در حساب‌ها منظور می‌گردد.

۸ ـ نحوه حسابداری عملیات موضوع این دستورالعمل مطابق با حسابداری معمول خریدار دین در بانک‌ها است.

محدودیت‌های راهکار خرید و فروش دین (تنزیل)

۱ـ مشهور فقیهان فقط اسناد حقیقی (اسنادی که بابت معامله به صورت مدت‌دار پرداخت می‌شود) را قابل تنزیل می‌دانند؛ بنابراین بانک تنزیل کننده باید به حقیقی بودن سند اطمینان داشته باشد.

۲ـ سفته‌ای که مشتری بدون پشتوانه معامله واقعی، امضاء کرده، در اختیار بانک می‌گذارد ـ ولو مربوط به خود او نباشد و از دیگری بگیرد ـ سفته صوری یا دوستانه نامیده می‌شود که تنزیل آن جایز نیست و در حقیقت چنین سفته‌هایی ماهیّت فروش دین را ندارند ـ چون در واقع دینی در کار نیست ـ بلکه ماهیّت قرضِ با بهره را دارند که ربا است به این معنا که مشتری مبلغی را از بانک قرض کرده، سپس در برابر اصل و فرع آن سفته می‌دهد. بانک‌ها باید از جریان چنین سفته‌هایی جلوگیری کنند. چرا که ممکن است خیلی از معاملات ربوی را در قالب تنزیل سفته‌های صوری انجام داد و شاید همین امر باعث شده تا عملیّات تنزیل در بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران در حجم کم انجام گیرد.

۳ـ در عملیّات تنزیل به صورت متعارف، مشتری تنزیل کننده، پشت سفته را به صورت ضمانت امضا می‌کند و متعهد می‌شود در صورت عدم پرداخت بدهکار، مشتری تنزیل کننده، وجه سفته را به بانک می‌پردازد. از آنجا که این معنا از ضمانت (ضمانت عرفی) با اطلاق ضمانت شرعی (نقل ذمّه) تفاوت دارد، لازم است پشت سفته‌های تنزیلی با آوردن عبارت «در صورت عدم پرداخت بدهکار، پرداخت وجه سفته را ضمانت می‌کنم» امضاء و ضمانت شود.

۴ـ این راهکار از جهت حقوقی محل بحث است، برخی از بانک‌ها با استناد به قانون چک که آن را سندی نقدی می‌داند، شیوه خرید دین را منحصر در سفته می‌دانند، در این صورت قلمرو این راهکار بسیار محدود خواهد بود، چرا که معاملات با سفته امروزه خیلی محدود است، در مقابل برخی از بانک‌ها اسناد مالی قابل تنزیل را افزون بر سفته و برات، شامل چک مدت دار نیز می‌دانند، در این صورت قلمرو راهکار بسیار گسترده خواهد بود. لازم است شورای پول و اعتبار با رعایت جوانب مختلف مسئله به این اختلاف برداشت خاتمه دهد و راه را برای اجرای گسترده این راهکار فراهم نماید.

مقایسه راهکارهای پیشنهادی

در این مقاله راهکارهای مختلفی برای اعطای تسهیلات به روش اعتبار در حساب جاری در بانک‌های اسلامی پیشنهاد گردید که از جهات گوناگون، تفاوت‌هایی دارند. برای بررسی و قضاوت بین این راهکارها می‌توان از معیارهای زیر استفاده کرد.

۱ـ میزان مشروعیت فقهی، هر چه راهکار پیشنهادی مورد تأیید فقهای بیشتر باشد کاربرد بیشتری در جامعه خواهد داشت، اگر موافقت همهٔ فقهاء، مشهور فقهاء، خیلی از فقهاء و گروه اندکی از فقهاء را به ترتیب درجهٔ عالی، خوب، متوسط و ضعیف نمره دهیم راهکارهای اول و دوم (قرض بدون بهره و مضاربه عام) درجه عالی و راهکارهای سوم تا ششم (سرمایه شناور، مشارکت مدنی و خرید و فروش وکالتی و خرید و فروش دین) درجه خوب خواهند داشت. به این معنا که راهکارهای اول و دوم به همان شکل پیشنهادی منطبق به فتوای همه فقهاء است امّا در راهکارهای دیگر محل بحث و گفتگوی فقهی وجود دارد.

۲ـ میزان مقبولیت قانونی، هر چه راهکار مبتنی بر مواد قانونی روشن و آئین‌نامه‌های مشخص باشد، مقبولیت بیشتری در جامعه خواهد داشت، اگر تصریح در قانون عملیات بانکی و وجود آئین‌نامه اجرایی روش، وجود مادهٔ قانونی هر چند خارج از قانون عملیات بانکی و وجود آئین‌نامه اجرایی هر چند مبهم را به ترتیب معیارهای مقبولیت قانونی بدانیم راهکار قرض بدون بهره درجه عالی راهکارهای مشارکت مدنی و خرید و فروش دین درجه خوب و راهکارهای مضاربه عام، سرمایه شناور و خرید و فروش وکالتی درجه متوسط می‌گیرند.

۳ـ پوشش اقتصادی، هر چه قلمرو راهکار از جهت پوشش دادن بخشهای مختلف اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات و تسهیلات مصرفی) بیشتر باشد، امتیاز بیشتری خواهد داشت. از این نگاه راهکار خرید و فروش وکالتی و خرید و فروش دین، درجهٔ عالی، راهکارهای سرمایه شناور و مشارکت مدنی درجهٔ خوب و راهکارهای قرض بدون بهره و مضاربه عام درجهٔ ضعیف می‌گیرند.

۴ـ توجیه بانکی، بانک همانند هر بنگاه اقتصادی دنبال سود است و هر چه دامنه تغییرات نرخ سود کمتر باشد برای بانک که اصولاً یک مؤسسه ریسک‌گریز می‌باشد مطلوب‌تر است بر این اساس راهکار خرید و فروش وکالتی و خرید و فروش دین درجهٔ عالی، قرض بدون بهره درجهٔ ضعیف و سایر راهکارها درجهٔ متوسط کسب می‌کنند.

۵ـ آسانی معامله، یکی دیگر از معیارهای مهم، سرعت و سهولت کاربرد راهکار پیشنهادی است هر چه معامله آسان، قابل فهم همگانی و روان باشد مطلوبیت بیشتری خواهد داشت از این جهت راهکارهای قرض بدون بهره (همراه با کارمزد) و خرید و فروش وکالتی و خرید و فروش دین درجه متوسط و سایر راهکارها درجه ضعیف کسب می‌کنند. گرچه این معیارها و شاخص‌ها وزن یکسانی ندارند و با توجه به اهمیت هر یک می‌توان وزنی و ضریبی در نظر گرفت. امّا اگر با قدری ساده‌سازی و صرف‌نظر از تفاوت‌ها به ترتیب برای درجه‌های عالی، خوب، متوسط و ضعیف آنها به ترتیب امتیاز ۱۰۰، ۸۰، ۶۰ و ۲۰ در نظر بگیریم، راهکارهای پیشنهادی موفق به کسب امتیازهای جدول زیر می‌گردند و نتیجه نهایی این می‌شود: از آنجا که راهکار اوّل اختصاص به نیازهای خیرخواهانه و ضروری و راهکار دوم اختصاص به بخش بازرگانی دارند نمی‌توانند ابزار مناسبی باشند و از میان راهکارهای سوم تا ششم، راهکارهای خرید و فروش وکالتی و خرید و فروش دین (منتخب بانک مرکزی) با ۴۰۰ و ۴۲۰ امتیاز مناسبتر از راهکارهای مشارکت مدنی و سرمایه شناور هستند.

جدول مقایسه راهکارهای پیشنهادی برای اعتبار در حساب جاری در بانک‌های اسلامی

معیارها / راهکارها	میزان مشروعیت فقهی	میران مقبولیت قانونی	پوشش اقتصادی	توجیه بانکی	آسانی معامله	جمع امتیازها
قرض بدون بهره	عالی (۱۰۰)	عالی (۱۰۰)	ضعیف (۲۰)	ضعیف (۲۰)	خوب (۸۰)	۳۲۰
مضاربه عام	عالی (۱۰۰)	متوسط (۶۰)	ضعیف (۲۰)	متوسط (۶۰)	ضعیف (۲۰)	۲۶۰
سرمایه شناور	خوب (۸۰)	متوسط (۶۰)	خوب (۸۰)	متوسط (۶۰)	ضعیف (۲۰)	۳۰۰
مشارکت مدنی	خوب (۸۰)	خوب (۸۰)	خوب (۸۰)	متوسط (۶۰)	ضعیف (۲۰)	۳۲۰
خرید و فروش وکالتی	خوب (۸۰)	متوسط (۶۰)	عالی (۱۰۰)	عالی (۱۰۰)	متوسط (۶۰)	۴۰۰
خرید و فروش دین	خوب (۸۰)	خوب (۸۰)	عالی (۱۰۰)	عالی (۱۰۰)	متوسط (۶۰)	۴۲۰

نتیجه‌گیری

۱ـ یکی از خواست‌های مهم فعالان اقتصادی دسترسی آسان به تسهیلات بانکی برای تأمین نیازهای غیرمتعارف و مقطعی است و این از طریق اعتبار در حساب جاری میسر است.

۲ـ اعطای اعتبار در حساب جاری به روش بانکداری متعارف مبتنی بر قرض با بهره است که از نظر اسلام ربا و حرام است و نمی‌تواند در بانک‌های اسلامی بکار گرفته شود.

۳ـ راهکارهای پیشنهادی برای اعطای تسهیلات به روش اعتبار در حساب جاری در بانک‌های اسلامی از جهات مختلف مشروعیت فقهی، مقبولیت قانونی، پوشش اقتصادی، توجیه بانکی و آسانی معامله قابل ارزیابی هستند.

۴ـ با توجه به محدودیت قلمرو قراردادهای قرض بدون بهره و مضاربه، راهکارهای پیشنهادی بر اساس آن قراردادها نمی‌تواند راهکار مناسب و فراگیر باشند.

۵ـ از میان راهکارهای سرمایه شناور، مشارکت مدنی و خرید و فروش وکالتی و خرید و فروش دین، دو راهکار آخری امتیاز بالاتری نسبت به بقیه دارند.

۶ـ انتخاب و اعلام رسمی راهکار خاصی از طرف بانک مرکزی به معنای پایان تحقیق نیست، امید است محققان مباحث بانکداری بدون ربا با بهره‌گیری از فقه اسلامی و تجارب گذشته راهکارهای مشروعتر، مقبول‌تر، فراگیرتر و روانتری ارائه کنند.

منابع

۱ـ امیراصلانی، اسدالله، **مجموعه مقالات سمینار بانکداری اسلامی**، مؤسّسهٔ عالی بانکداری، ۱۳۷۲.

۲ـ توتونچیان، ایرج، اقتصاد پول و بانکداری، مؤسسه تحقیقاتی پولی و بانکی، ۱۳۷۵.

۳ـ حبیبیان، مجید، **قرض‌الحسنه نگرشی تفسیری ـ روائی ـ فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی**، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۳.

۴ـ خامنه‌ای، سیدعلی، دررالفوائد فی اجوبهٔ القائد، دارالحق، بیروت، ۱۴۱۶ هـ ق.

۵ـ خمینی [امام]، روح الله، استفتائات جدید، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.

۶ـ خمینی [امام]، روح‌الله، تحریرالوسیله، جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم، ۱۴۱۶ هـ ق.

۷ـ سیف، ولی‌الله، *اعتبار در حساب جاری*، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۰۴، شهریور ۱۳۸۳.

۸ـ شیرانی، علیرضا، **مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی**، مؤسسه عالی بانکداری، ۱۳۸۰.

۹ـ مراجع عظام تقلید، رسالهٔ توضیح‌المسائل، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.

۱۰ـ موسویان، سیدعباس، **اعتبار در حساب جاری مشارکتی در بانکداری بدون ربا**، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۹، بهار ۱۳۸۲.

۱۱ـ موسویان، سیدعبّاس، بانکداری اسلامی، مؤسّسهٔ تحقیقات پولی و بانکی، ویرایش دوم، ۱۳۸۰.

۱۲ـ مهدوی، سیدحسین، **مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی**، مؤسّسهٔ عالی بانکداری، ۱۳۸۰.